

عوامل اجرای عدالت اجتماعی در نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر

حسن صادقی*

چکیده

حضرت علی علیه السلام حاکم عالم و عادل و معصوم الهی است که در نامه ماندگار خویش به استاندار خود مالک اشتر، نکات فراوانی در راستای حکومت الهی و وظایف آن بیان می‌کند. یکی از موضوعات مهم قابل استفاده از این نامه گرانقدر، عوامل عدالت اجتماعی و راه‌های دستیابی به عدالت اجتماعی که در ارتباط با حاکم است.

این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی نگارش یافته، عوامل اجرای عدالت اجتماعی در نامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر را بررسی می‌کند. از این نامه عواملی مهمی در این زمینه استفاده می‌شود، هرچند برخی اختصاص به حاکم ندارد و برای هر فردی قابل اجراست. بر اساس این نامه، مهم‌ترین عوامل اجرای عدالت اجتماعی عبارت‌اند از: اعتقاد حاکم، اخلاق حاکم، رفتار حاکم با کارگزاران، رفتار حاکم با مردم، رفتار حاکم با دشمن. این عوامل، مصادیق فراوانی در حوزه‌های گوناگون عدالت اجتماعی از قبیل عدالت حقوقی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دارد.

واژگان کلیدی:

حضرت علی (ع)، مالک اشتر، عدالت اجتماعی، حاکم، عوامل عدالت اجتماعی.



مقدمه

عدالت اجتماعی از اساسی ترین موضوعات اجتماعی است که ریشه در عقل و فطرت انسان دارد و هر انسان عاقلی نیکویی عدالت اجتماعی و زشتی ظلم اجتماعی را درک می‌کند، بدون آنکه از نقل و شرع کمک گیرد. در کنار شناخت فطری و عقلی، منابع دینی به ویژه قرآن کریم بر عدالت اجتماعی تأکید فراوان دارد، به گونه‌ای که عدالت اجتماعی را یکی از اهداف اساسی بعثت پیامبران بیان می‌کند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید (۵۷)، ۲۵).

از سوی دیگر، اهمیت و ضرورت عدالت اجتماعی، مورد توجه و عنایت معصومان بوده است؛ به ویژه امیرالمومنین علی (ع) به عنوان حاکم عالم و معصوم الهی که حکومت اسلامی را در مقطع کوتاهی اختیار گرفتند. حضرت (ع) هم با زبان و هم با عمل اهتمام فراوانی به عدالت اجتماعی داشتند. ایشان در نامه معروف خود به مالک اشتر که وی را به استانداری مصر منصوب کردند، بر مساله عدالت اجتماعی تأکید فراوان کرده، به زوایای زیادی از این مساله به ویژه عوامل عدالت اجتماعی اشاره کرده‌اند یا می‌توان این مساله را از این نامه استفاده کرد.

از سوی دیگر، اصل عوامل عدالت اجتماعی در نهج البلاغه گرچه در آثار مرتبط اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه، کم و بیش مطرح شده است؛ لکن پرداختن به این موضوع از جهت کمیت و کیفیت و ابعاد این مساله و نوع نگاه به آن، همچنان ضروری به نظر می‌رسد. از این رو، این نوشته از زاویه خاصی به این مساله می‌پردازد. امید است که مورد استفاده قرار گیرد.

سوال اصلی پژوهش آن است که عوامل اجرای عدالت اجتماعی در نامه حضرت امیرالمومنین علی (ع) به مالک اشتر چیست؟ سوالات فرعی عبارت‌اند از: ۱. عوامل به چه معناست؟ ۲. عدالت اجتماعی به چه معناست؟ ۳. آیا اعتقاد حاکم در اجرای عدالت اجتماعی تأثیر دارد؟ ۴. اخلاق حاکم چگونه می‌تواند در اجرای عدالت اجتماعی تأثیر گذار باشد؟ ۵. رفتار حاکم چه تأثیری در اجرای عدالت اجتماعی دارد؟ ۶. آیا رفتار حاکم با دشمن در اجرای عدالت اجتماعی تأثیر دارد؟

۱. معنای «عوامل»

عامل، به معنای علت و چیزی است که در چیز دیگر اثر می‌گذارد. از این رو، منظور از عامل اجرای عدالت اجتماعی، هر چیزی است که سبب و علت تحقق عدالت اجتماعی است. از سوی



دیگر، با توجه به اینکه حضرت علی (ع) به مالک اشتر به عنوان حاکم مصر نامه را نوشتند، در این نوشته تنها عوامل اجرای عدالت اجتماعی که با حاکم اسلامی ارتباط دارد، مورد استفاده است؛ گرچه برخی از این عوامل اختصاص به حاکم اسلامی ندارد و برای هر فردی قابل استفاده است.

در بررسی عوامل اجرای عدالت اجتماعی توجه به چند نکته ضروری است:

۱. هر کدام از عوامل به عنوان جزئی از علت تامه هستند و در تحقق عدالت اجتماعی تاثیر دارند و این تاثیرگذاری به این معنا نیست که با وجود این عوامل، عدالت اجتماعی صددرصد تحقق پیدا می‌کند؛ چرا که در کنار عوامل یاد شده، امور دیگر مانند اختیار به قوت خود محفوظ است و انسان با وجود این عوامل، می‌تواند عدالت یا ظلم را اختیار و انتخاب کند. (ر.ک: صادقی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۱-۱۲۴)

۲. رابطه بین برخی از عوامل طولی است و برخی از این عوامل در برخی از دیگر تاثیر گذار است، برای مثال، اعتقاد حاکم به خدای متعال یا اعتقاد به آخرت، در رفتار حاکم نیز تاثیر دارد.

۳. عوامل عدالت اجتماعی با مبانی عدالت اجتماعی تفاوت دارد؛ زیرا مبانی عدالت اجتماعی امور نظری است که زیرساخت نظری و چرایی عدالت اجتماعی چرایی را تبیین می‌کند؛ برای مثال، حسن ذاتی و عقلی عدالت اجتماعی زیرساخت نظری برای عدالت اجتماعی بشمار می‌رود، یا کرامت انسان، دلیل اجرای عدالت اجتماعی است. عوامل عدالت اجتماعی چنانکه از نامش پیداست، اموری است که به چگونگی و راه‌های دستیابی به عدالت اجتماعی در مقام عمل را تبیین می‌کند، برای مثال خداترسی، ترس از عذاب جهنم،... عامل عدالت اجتماعی است.

۲. معنای «عدالت اجتماعی»

عدالت از ریشه «عدل» به معنای برابری و مساوات (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۲۴۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۵۵۱) میانه در امور (ر.ک: فیومی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۹۶) و حد وسط و قرار گرفتن میان افراط و تفریط به گونه‌ای که در آن زیاده و نقیصه نباشد (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۵۵) و قرار دادن هر چیزی در جایگاهش است. البته گرچه در لغت به این معنا تصریح نشده است؛ لکن با توجه به مفهوم «ظلم» است که در برابر «عدل» قرار دارد. (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۱۵).

«اجتماعی» صفت منسوب به «اجتماع» در برابر فردی است (ر.ک: معین، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۴۶) و منظور از آن، چیزی است که با اجتماع و دیگران ارتباط دارد؛ بنابراین، «عدالت اجتماعی»

در ارتباط با دیگر افراد است و با خود انسان ارتباط مستقیمی ندارد. با توجه به معنای لغوی عدالت و اجتماعی می‌توان معنای اصطلاحی «عدالت اجتماعی» به این صورت تعریف نمود:

«عدالت اجتماعی آن است که هر کس در جایگاهی که به حکم عقل، شرع و عرف شایسته آن است، قرار داده شود». (طباطبایی، [بی‌تا]، ج ۱۲، ص ۳۳۱).

همچنین می‌توان به این صورت نیز تعریف نمود:

عدالت اجتماعی دادن حق هر انسان صاحب حقی به او بر اساس عقل، نقل و عرف است. گفتنی است انسان حقوق گوناگونی دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: حیات، دین‌داری و توحید، آزادی، مشارکت اجتماعی، یادگیری، آبرو، ازدواج، مالکیت و...؛ بنابراین، گستره عدالت اجتماعی به گستره حقوق انسان است.

۳. اعتقاد حاکم و تاثیر آن در اجرای عدالت اجتماعی

میان اعتقادات دینی و رفتارهای انسان رابطه تنگاتنگی وجود دارد و نمی‌توان آنها را از هم جدا نمود. اعتقاد به خدای سبحان و صفات کمالیه الهی نیز در همه رفتارها به ویژه رفتار انسان با دیگران و رعایت عدالت اجتماعی تاثیر بسزایی دارد. هر چقدر ایمان به خدای متعال و صفات خدای متعال قوی‌تر و توجه به آن بیشتر باشد، تاثیر بیشتری خواهد داشت. از این رو، تقویت ایمان و توجه به خدا در اجرای عدالت اجتماعی تاثیر زیاد دارد.

اعتقاد از ریشه «عقد» به معنای پیوند و گره و نیز بستن گرفته شده است (جوهری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۵۱۰) و در این ریشه، شدت وجود دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۸۶). این ریشه در اموری بکار می‌رود که استواری در آنها لازم است، مانند بستن ریسمان، بستن پیمان و عهد و مانند آن. از این رو، اعتقاد در لغت به معنای استواری است و اعتقاد به دین، یعنی بستن قلب به آن (حمیری، ۱۴۲۰ ق، ج ۷، ۴۶۸۳). زمخشری اعتقاد و عقیده را این گونه تعریف می‌کند: «اعْتَقَدَ الشَّيْءَ دَر دَل كَرَفْتْ چيز را و هي الْعَقِيدَةُ چيز در دل گرفته» (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۳۴).

بنابراین، اعتقاد به چیزی، باور قلبی است که انسان به آن، دل بسته است و در قلب، استوار شده است. از سوی دیگر، اعتقاد با علم تفاوت دارد؛ چرا که علم و اعتقاد از دو سنخ‌اند. علم از سنخ «بینش» و کار عقل نظری است و دیگری از سنخ «گرایش» و کار عقل عملی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ج ۳، ص ۴۸۸). از این رو، با حصول مقدمات برای انسان، علم حاصل می‌شود، بدون آنکه انسان اختیار داشته باشد، در صورتی که اعتقاد، امری اختیاری است و انسان از



روی اختیار به چیزی باور دارد. به همین جهت، ممکن است کسی با اینکه به چیزی علم داشته باشد، به آن باور نداشته و انکار کند؛ همانگونه که قرآن کریم درباره فرعون و فرعونیان می‌فرماید که آنان آیات الهی را انکار کردند، با اینکه یقین داشتند: «وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلُوًّا» (نمل (۲۷)، ۱۴). (همان، ص ۴۸۷-۴۸۸)؛ بنابراین، منظور از اعتقاد، آن باور قلبی است که انسان در دل خود دارد و به آن دل بسته است.

اعتقاد هنگامی در رفتار تاثیر دارد که زنده و فعال باشد و انسان به آن توجه داشته باشد و در صورت عدم توجه به آن، تاثیر چندانی در رفتار نخواهد داشت همچنانکه کم و بیش در جامعه دیده می‌شود که برخی از افراد با وجود اعتقاد به خدا و معاد، به لوازم آن پایبند نیستند. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۶۶).

برخی از موارد تاثیر گذار اعتقاد حاکم در عدالت اجتماعی عبارت‌اند از:

۱-۳. اعتقاد به قدرت و عظمت ملک الهی

خدای متعال توانای مطلق و دارای عظمت بی‌نهایت است و انسان، آفریده چنین خدای سبحانی است. توجه به این نکته، هر انسان به ویژه حاکم را از غرور و تکبر و در نتیجه از ستم کردن به دیگران باز می‌دارد. حضرت (ع) می‌فرماید:

هر گاه حکومت برای تو خود بزرگ بینی و کبر به وجود آورد، به بزرگی سلطنت خداوند که فوق توست و قدرتی که بر تو دارد و تو را بر خودت آن قدرت و توانایی نیست نظر کن، که این نظر کبر و غرورت را می‌نشانند و تندی و شدت را از تو باز می‌دارد و عقل از دست رفته را به تو باز می‌گرداند. (سید رضی، ۱۴۱۴ ق، نامه ۵۳، ص ۴۲۸)

۲-۳. اعتقاد به آزمایش خدا

خدای متعال برای همه انسان‌ها در هر زمان و مکان و جایگاه آزمایش قرار داده است. حاکم نیز افزون بر بعد فردی و حقیقی خویش با توجه به جایگاه حکومتی نیز مورد آزمایش الهی است. حضرت (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

خداوند به وسیله آنان، تو را در عرصه آزمایش قرار داده است. (همان، ص ۴۲۸)

روشن است که هرگاه حاکم توجه کند که مورد آزمایش الهی قرار دارد و خدای متعال پس از آزمایش، با توجه به عملکرد حاکم، او را پاداش یا کیفر خواهد داد، زمینه روحی برای رعایت عدالت اجتماعی در وی فراهم می‌شود.

۳-۳. اعتقاد به عفو و رحمت خدا

خدای متعال دارای صفت عفو و رحمت است و تجلی این صفت بر اساس حکمت الهی است و یکی از موارد حکمت الهی، عفو و رحمت انسان به دیگران است. از این رو، اگر کسی به دیگری عفو و رحمت نداشته باشد، نباید انتظار بخشش و رحمت از خدای متعال و نیز دیگران داشته باشد. از حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام نقل شده است: «ارحم ترحم؛ رحم کن تا مورد رحم قرار گیری». (شیخ صدوق، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۷۸) بنابراین، اعتقاد به رحمت الهی، انگیزه را برای اجرای عدالت اجتماعی تقویت می‌کند.

حضرت علی (ع) خطاب به مالک می‌فرماید:

پس همانگونه که علاقه داری خداوند بخشش و چشم‌پوشی را به تو عنایت نماید، رعیت را مورد عفو و چشم‌پوشی قرار بده... خود را در موقف جنگ با خدا قرار مده، که تو را تحمل کيفر او نیست و از عفو و رحمتش بی‌نیاز نمی‌باشی. (سید رضی، ۱۴۱۴ ق، نامه ۵۳، ص ۴۲۸)

۳-۴. اعتقاد به کيفر خدا

خدای متعال در کنار صفت رحمت، دارای صفت انتقام و کيفر برای گناهکاران است، همانگونه که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» «مانده (۵)، ۲» و «إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ» «انعام (۶)، ۱۶۵».

از این رو، هر انسانی به ویژه حاکم باید از کيفر خدا بترسد و با رعایت عدالت اجتماعی، خود را از کيفر و عذاب الهی ایمن سازد. حضرت (ع) در نامه خود به مالک به کيفر الهی اشاره می‌کنند:

خود را در موقف جنگ با خدا قرار مده، که تو را تحمل کيفر او نیست و از عفو و رحمتش بی‌نیاز نمی‌باشی. (سید رضی، ۱۴۱۴ ق، نامه ۵۳، ص ۴۲۸)

۳-۵. اعتقاد به معاد

بر اساس ادله عقلی و نقلی زندگی انسان به این دنیا محدود نیست و انسان پس از این دنیا در جهان دیگری زنده می‌شود و کيفر و پاداش کارهای خویش را می‌بیند. اعتقاد و توجه به این موضوع، زمینه را برای انجام کارهای نیک به ویژه رعایت عدالت نسبت به دیگران فراهم می‌سازد. حضرت (ع) می‌فرماید:

از ریختن خون به ناحق بر حذر باش... خداوند در قیامت اول چیزی که بین مردم حکم می‌کند در رابطه با خونهایی است که به ناحق ریخته‌اند. (همان، ص ۴۴۳)

۶-۳. لزوم تقویت اعتقادات راهکار اجرایی عدالت اجتماعی

با توجه به اهمیت اعتقادات در اجرای عدالت اجتماعی، مهم‌ترین راهکار تقویت اعتقادات دینی است. تقویت اعتقاد از دو راه ممکن است؛ راه علمی و راه عملی. راه علمی یاد گرفتن و یاد دادن اعتقادات بر اساس دلیل و برهان است و راه عملی، ملتزم شدن عملی به اعتقادات. مقدمات انجام این دو راه همچنانکه بر عهده افراد جامعه است، بر عهده مسولان نیز می‌باشد.

۴. اخلاق حاکم و تاثیر آن در اجرای عدالت اجتماعی

یکی از مهم‌ترین عوامل عدالت اجتماعی عوامل اخلاقی است. عوامل اخلاقی همچنانکه از نامش پیداست، صفات اخلاقی درونی است که زمینه عدالت اجتماعی را فراهم می‌سازد. «اخلاق» در اصل، واژه‌ای عربی است که مفرد آن، «خُلُق» و «خُلُق» است. در لغت به معنای خوی، سرشت، طبیعت (ر.ک: جوهری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۱۴۷۱) و سجیه (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۲۱۳) به کار رفته است، چه خوی و سرشت و طبیعت، نیکو و پسندیده باشد، مانند جوانمردی و دلیری، یا زشت و ناپسند باشد، مثل فرومایگی و بزدلی.

به همین جهت، تعبیر «اخلاق فاضله» و «اخلاق رذیله» به کار برده می‌شود. مرحوم نراقی در تعریف اخلاق می‌نویسند:

«خلق ملکه‌ای است نفسانی که موجب می‌شود کارها به راحتی و بدون نیاز به فکر انجام شود و ملکه کیفیتی نفسانی است که دیر از بین می‌رود». (نراقی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۴۶)

برخی از اخلاق تاثیر گذار حاکم در عدالت اجتماعی عبارت‌اند از:

۱-۴. پرهیز از هوای نفس

«هوی» در لغت به معنای خواسته و خواهش است، چه متعلق آن، خوب باشد یا بد؛ (جوهری، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۲۵۳۷) ولی بیشتر کاربردهای آن، در خواسته و خواهش‌های نادرست و مذموم است. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ص ۱۶۷) چون نفس خواهش‌های نفسانی دارد، مخالفت با آن، زمینه را برای عدالت اجتماعی فراهم می‌سازد، برای مثال، نفس انسان علاقه دارد خویشاوندان را بر دیگران برتری دهد و اینجا نباید به خواسته نفسانی تن داد.

حضرت (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: بنابر این بر هوایت مسلط باش، نسبت به خود از آنچه بر تو حلال نیست بخل بورز، زیرا بخل به خود، انصاف دادن از خود است در رابطه با آنچه محبوب یا منفور انسان است. (سید رضی، ۱۴۱۴ ق، نامه ۵۳، ص ۴۲۷)

۲-۴. پرهیز از خود بزرگ بینی و غرور قدرت

یکی از رذایل اخلاقی که خود زمینه را برای ستم به دیگران است، خودبزرگ بینی و خوردن فریب قدرت است و از سوی دیگر، توجه به مساوی بودن با دیگر انسان‌ها و نیز بندگی در برابر خدای متعال این روحیه را به انسان می‌دهد که خود را بزرگ نبیند و در حق دیگران ستم نکند. حضرت امیر المومنین (ع) به مالک اشتر می‌نویسد:

و فریاد مزین که من بر شما گمارده شده‌ام، فرمان می‌دهم باید اطاعت شوم؛ که این وضع موجب فساد دل و کاهش و ضعف دین و باعث نزدیک شدن زوال قدرت است. (همان، ص ص ۴۲۸)

۳-۴. روحیه مشورت‌خواهی با افراد امیدوار به خدا

یکی از اموری که عقل به آن حکم می‌کند و در دین مورد سفارش فراوان قرار گرفته، مشورت است، همچنانکه می‌فرماید: «وَأْمُرُهُمْ سُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری ۴۲، ۳۸). از سوی دیگر باید با افرادی مشورت که به خدا امیدوار باشند. از این‌رو، هم اصل مشورت مطلوب است و هم باید با افرادی مشورت نمود که در راه حق به انسان کمک کنند. حضرت علی (ع) با قطعی دانستن اصل مشورت، از مشورت کردن با سه گروه بخیل، ترسو و حریص نهی می‌کند:

در امور خود بخیل را وارد مشورت مکن که تو را از بخشش مانع گردد و از تهیدستی می‌ترساند؛ و همچنین با بزدل و ترسو که تو را در اجرای برنامه‌هایت سست می‌نماید؛ و با طمعکار که حرص بر اندوختن و ستمگری را در نظرت می‌آراید مشورت مکن، همانا بخل و ترس و حرص سرنوشت‌هایی جدای از هم‌اند که جمع‌کننده آنها در انسان سوء ظن به خداوند است. (سید رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، ص ۴۳۰)

از بیان حضرت (ع) استفاده می‌شود که مشورت با بخشنده، شجاع و قانع مطلوب است. از این‌رو، مشورت با بخیل، ترسو و حریص زمینه ستم را فراهم می‌سازد و مشورت با بخشنده، شجاع و قانع زمینه عدالت را فراهم می‌سازد.

۴-۴. پرهیز از ستایش طلبی

همچنانکه یکی از صفات ناپسند، عجب و خودپسندی است، طلب ستایش از دیگران نیز صفت ناپسند دیگری بشمار می‌رود. وجود این صفت در هر فردی زمینه را برای صفات و رفتارهای ناپسند دیگر فراهم می‌سازد، به ویژه هرگاه حاکم دارای این صفت باشد و خود را برتر بیند و از تعریف خویش خوشنود باشد، زمینه را برای ستم به دیگران بیشتر فراهم می‌سازد، برای مثال، اگر کسی از



روی چاپلوسی همواره قدرت حاکم را نزد وی مطرح کنند، وی گردنکشی کرده و در معرض ستم به جان و مال دیگران خواهد بود. حضرت (ع) مالک اشتر را این‌گونه سفارش می‌کنند:

به اهل پاکدامنی و صدق بپیوند و آنان را آنچنان تعلیم ده که تو را زیاد تعریف نکنند و بیهوده به کاری که انجام نداده‌ای تو را شاد نمایند، که تمجید فراوان ایجاد کبر و نخوت کند و به گردنکشی نزدیک نماید. (همان، ص ۴۳۰)

۵-۴. توجه به حکومت‌های دادگستر پیشین

یکی از صفات نیکی است که در حاکم ضروری است، توجه و یادآوری به حکومت‌های دادگستر پیشین است که زمینه را برای گسترش عدل و داد و پرهیز از ستم فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، به طور طبیعی غفلت از آن، زمینه را برای ستم به دیگران فراهم می‌سازد. از این رو، حضرت می‌فرماید:

بر تو واجب است که به یاد حکومت‌های عدل پیش از خود باشی. (همان، ص ۴۴۵)

۶-۴. توجه به آثار پیامبر اکرم (ص)

با توجه به اینکه خدای متعال پیامبر اکرم (ص) به عدل و داد سفارش می‌کند، «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ» (اعراف ۲۸-۲۹) و «وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ...» (شوری ۱۵(۴۲)) سخن و رفتار حضرت بر اساس عدل و داد است. از این رو، توجه به آثاری که از رسول اکرم (ص) رسیده، زمینه را برای رعایت عدل و داد فراهم می‌سازد. به همین دلیل حضرت می‌فرماید:

بر تو واجب است که به اثری که از پیامبرمان صلی الله علیه و آله رسیده، توجه نمایی. (سید رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، ص ۴۴۵)

۷-۴. توجه به واجبات الهی

خدای متعال در آیات فراوان، واجبات را ذکر کرده که بخش فراوانی از آنها به طور مستقیم و غیر مستقیم به عدالت اجتماعی مربوط می‌شود. توجه حاکم به آنها نیز زمینه را برای عدالت فراهم می‌سازد. حضرت می‌فرماید:

بر تو واجب است که به اثری که از ... فریضه‌ای که در کتاب خداوند است توجه نمایی. (همان، ص ۴۴۵)

۸-۴. صبر و پایداری

برای انجام کارهای سخت و دشوار همانند رسیدگی به مردم به ویژه نیازمندان و محرومان صبر و پایداری لازم است و در صورت وجود صبر در حاکم، خداوند متعال حاکم را موفق می‌دارد و وی توفیق خدمت به محرومان را پیدا می‌کند. حضرت پس از بیان لزوم رسیدگی به محرومان می‌فرماید:

آنچه سفارش کردم بر حاکمان سنگین است، البته همه حق سنگین است و گاهی خداوند آن را بر اقوامی سبک می‌کند که خواهان عاقبت به خیری هستند و خود را به صبر و استقامت واداشته و به صدق آنچه خداوند به آن وعده داده اعتماد کرده‌اند. (همان، ص ۴۳۹)

ضرورت تهذیب اخلاق راهکار اجرایی عدالت اجتماعی

با توجه به نکات یاد شده، ضرورت تهذیب نفس و تلاش برای آن آشکار می‌شود.

۵. رفتار حاکم با کارگزاران و تاثیر آن در اجرای عدالت اجتماعی

هر حکومتی برای تدبیر امور جامعه نیازمند کارگزارانی است که بتواند با کمک آنها جامعه و امور مربوط به مردم را رعایت کرده، عدالت در ابعاد گسترده آن را رعایت کند. به همین جهت، برای تامین عدالت اجتماعی در جامعه ابتدا لازم است حکومت در امور مربوط به کارگزاران، رفتار مناسب و عادلانه‌ای داشته باشد. برخی از ابعاد رفتار حکومت در امور کارگزاران عبارت‌اند از:

۱-۵. گزینش کارگزار شایسته

یکی از عوامل مهم رفتار حکومت در تحقق عدالت اجتماعی انتخاب کارگزاران شایسته است که به کمک آنها عدالت در امور مردم نیز رعایت می‌شود. از سوی دیگر، کم‌توجهی در انتخاب کارگزار شایسته به طور طبیعی زمینه را برای ظلم به مردم در امور گسترده آنان فراهم می‌سازد. یکی از این روایات، نامه حضرت امیرالمومنین علی (ع) خطاب به مالک اشتر است. حضرت در این نامه به گزینش برخی از کارگزاران سفارش‌های دقیقی دارند. برخی از این افراد عبارت‌اند از:

أ. گزینش وزیر

یکی از مهم‌ترین بخش‌های حکومت، وزیر است که به کمک حاکم می‌آید و به طور طبیعی خوبی و بدی وی در کارهای حکومت تاثیر فراوان دارد. از این رو حضرت علی (ع) در گزینش وزیر می‌فرماید:



بدترین وزرای تو وزیری است که پیش از تو وزیر اشرار بوده و در گناهانشان شرکت داشته، چنین کسی نباید از محرمان تو باشد، که اینان یاران اهل گناه و برادران اهل ستم‌اند، البته در حالی که قدرت داری جانشینی بهتر از آنان بیابی که در کشورداری مانند آنان دارای رأی و کاردانی است و بار سنگین گناهان آنان هم بر او نیست، از کسانی که اهل ستم را در ستمکاری و گناهکاران را در گناهشان یاری نکرده است. هزینه اینان بر تو سبکتر و همکاریشان بهتر و نسبت به تو در طریق عطفوت مایل‌تر و الفتشان با بیگانه کمتر است. اینان را از خاصان خود در خلوتها و مجالس خویش قرار ده؛ و نیز باید از وزرای برگزیده‌ترینشان نزد تو، وزیری باشد که سخن تلخ حق را به تو بیشتر بگوید و نسبت به آنچه که خداوند برای اولیانش خوش ندارد کمتر تو را یاری دهد، گرچه این برنامه بر علیه میل تو به هر جا که خواهد برسد. (همان، ص ۴۳۰)

ب. گزینش فرمانده نظامی

حکومت، نیازمند پشتوانه قوی نظامی است و مسائل نظامی نیازمند فرمانده شایسته است که صفات برجسته‌ای داشته باشد که بتواند با رعایت عدل و داد در خدمت حکومت باشد. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

آن که پیش تو نسبت به خداوند و پیامبر و پیشوایت خیرخواه‌تر و پاک‌دامن‌تر و بردبارتر است او را به فرماندهی ارتشت انتخاب کن، از آنان که دیر به خشم آیند و پوزش پذیرترند و به ناتوانان مهربان و در برابر زورمندان گردنفرانزند... (همان، ص ۴۳۲)

ج. گزینش قاضی

در جامعه غالباً اختلاف بین افراد وجود دارد و نیز افرادی هستند که خواسته یا ناخواسته به دیگران ستم می‌کنند و وظیفه حکومت، برطرف کردن اختلاف و دفاع از ستم‌دیده است. بدیهی است که هر کس نمی‌تواند عهده‌دار رفع اختلاف و دادگری شود؛ بلکه افرادی با صفات خاصی می‌توانند عهده‌دار این منصب مهم شوند. از سوی دیگر، حاکم باید دقت فراوان در انتخاب قاضی داشته باشد که بتواند عدل و داد را رعایت کند و حق ستم‌دیده را از ستمگر بگیرد و به وی بدهد. حضرت می‌فرماید:

برای داوری بین مردم برترین شخص نزد خودت را انتخاب کن، کسی که امور داوری او را دچار تنگنا نکند و برخورد مدعیان پرونده وی را گرفتار لجبازی ننماید و در خطا پافشاری نوزد و هنگام شناخت حق از بازگشت به آن در نماند و درونش به طمع میل نکند... در زمینه انتخاب قاضی از

هر جهت دقت کن دقتی بلیغ و رسا، که این دین اسیر دست اشرار بود، در آن به هوا و هوس عمل می‌کردند و وسیله دنیا طلبی آنان بود. (همان، ص ۴۳۴)

د. گزینش کارگزار دولتی

چنانکه یاد شد حکومت نیازمند کارگزارانی است که در اجرای کارهای حکومت و رسیدن به اهداف آن کمک می‌کنند. روشن است که هر قدر کارگزاران دارای شایستگی باشند، بهتر می‌توانند کارهای مردم را انجام دهند و عدل و داد میان آنان را رعایت کنند. با توجه به اینکه انتخاب کارگزاران بر عهده حاکم است، اهمیت دقت در گزینش حاکم در این زمینه روشن می‌شود. حضرت علی می‌فرماید:

سپس در امور کارگزاران حکومت دقت کن و آنان را پس از آزمایش به کار گیر، از راه هوا و هوس و خود رأیی آنان را به کارگردانی مگمار، زیرا هوا و هوس و خود رأیی جامع همه شعبه‌های ستم و خیانت است. از عمال حکومت کسانی را انتخاب کن که اهل تجربه و حیاء‌اند و از خانواده‌های شایسته و از خانواده‌های شایسته و در اسلام پیش قدم‌ترند، چرا که اخلاق آنان کریمانه‌تر و خانواده ایشان سالم‌تر و مردمی کم‌طمع‌تر و در ارزیابی عواقب امور دقیق‌ترند. (همان، ص ۴۳۵)

ه. گزینش نویسنده و منشی

اختیارات حاکم اقتضا می‌کند که با کارگزاران و افراد دیگر در ارتباط بوده و نامه‌هایی به آنان بفرستد. به همین دلیل، از گذشته افرادی برای نوشتن و رساندن نامه در حکومت مسولیت داشتند و چه بسا برخی به همین جهت برای خود، جایگاهی قائل بودند. از سوی دیگر، گاهی نامه‌ها باید هر چه زودتر به دست حاکم یا کارگزار برسد و کوتاهی موجب ضرر و زیان می‌شود. از این‌رو، حاکم باید در انتخاب نویسنده و منشی دقت فراوانی داشته باشد. حضرت می‌فرماید:

سپس در حال نویسندگان و منشیان حکومت دقت کن و امورت را به بهترین آنها بسپار، نامه‌های را که در بر دارنده امور محرمانه است به آنان که در تمام خوبیهای اخلاق از دیگران جامع‌ترند واگذار، کسی که پست و مقام او را مست نکند و منزلتش باعث جرأت او در مخالفت با تو در جمع حاضران نگردد و غفلتش سبب کوتاهی در رساندن نامه‌های کارگزاران به تو و گرفتن جوابهای صحیح آن نامه‌ها از تو نشود و در آنچه برای تو می‌ستاند و یا از جانب تو می‌دهد فرو گذاری ننماید.... (همان، ص ۴۳۷)

و. گزینش خیردهنده از نیازمندان

در جامعه غالباً افراد نیازمند وجود دارد و اطلاع یافتن از آنها زمینه را برای یاری رساندن فراهم می‌سازد. از این رو، ضروری است حاکم به وسیله افراد مورد اعتماد از نیازمندان باخبر باشد. حضرت می‌فرماید:

برای به عهده گرفتن امور اینان انسانی مورد اعتماد خود را که خدا ترس و فروتن است مهیا کن تا وضع آنان را به تو خبر دهد. (همان، ص ۴۳۹)

۲-۵. حمایت و قدرشناسی از کارگزاران

یکی از عوامل مهم رفتار حکومت در تحقق عدالت اجتماعی حمایت و قدرشناسی از کارگزاران است که شامی قدرشناسی مادی و معنوی می‌شود. منظور از قدرشناسی مادی، تامین حقوق کارگزاران است و مراد از قدرشناسی معنوی آن است که کار هرکس را متعلق به خود او بدانند و به تعبیر ساده‌تر، کار او را به حساب خود بگذارند.

اگر کسی برای حکومت اسلامی کاری انجام می‌دهد، حکومت اسلامی وظیفه دارد به مقدار کار وی، هزینه آن را بپردازد. افزون بر اینکه عدل و انصاف حکم می‌کند در برابر کار کارگزار، حقوق وی داده شود، به طور طبیعی اگر حکومت در این زمینه کوتاهی کند، چه بسا کارگزاری برای تامین زندگی خود، از راه نادرست، حقوق خود و امور زندگی خویش را تامین کند. از سوی دیگر، نادیده گرفتن کار هر فرد، افزون بر اینکه ستم به اوست، چه بسا موجب سستی در کار شده و در نتیجه اهداف حکومت اسلامی تامین نگردد.

أ. حمایت و قدرشناسی از قاضی

حضرت علی (ع) در لزوم حمایت از قاضی می‌فرماید:

و در پرداخت مال به او گشاده دست باش آن مقدار که نیازش را برطرف کند و احتیاجش به مردم کم شود و آنچه را مقامش را نزد خود بالا بر که از نزدیکان احدی در نفوذ به او طمع نماید تا از ضایع شدنش به توسط مردم نزد تو در امان بماند. (همان، ص ۴۳۵)

ب. حمایت از افراد نظامی و خانواده‌های آنان

حضرت علی (ع) در لزوم حمایت از افراد نظامی و خانواده‌های آنان می‌فرماید: و باید برگزیده‌ترین سران سپاهت نزد تو کسی باشد که در کمک به سپاهیان مواسات را رعایت نماید و از توانگری خود به آنان احسان کند به اندازه‌ای که بتواند سپاهیان و خانواده‌های آنان را که از خود به جای نهاده‌اند

اداره نماید تا اندیشه آنان در جنگ با دشمن يك اندیشه باشد، چرا که عنایت تو نسبت به آنان دل‌هایشان را متوجّه تو می‌گرداند. (همان، ص ۴۳۳)

ج. حمایت از کارگزاران دولتی

حضرت علی (ع) در ضرورت حمایت از کارگزاران دولتی می‌فرماید:

سپس جیره آنان را فراوان ده، زیرا این برنامه برای آنان در اصلاح وجودشان قوّت است و از خیانت در آنچه زیر دست آنان می‌باشد بی‌نیاز کننده است و اگر از فرمانت سر برتابند و یا در امانت خیانت کنند بر آنان حجّت است. (همان، ص ۴۳۵)

۳-۵. نظارت بر کارگزاران

همانطوری که یکی از عوامل مهم تحقق عدالت اجتماعی، انتخاب کارگزار شایسته و حمایت از ایشان است، نظارت بر کارگزار نیز زمینه را برای کار شایسته کارگزار و رعایت عدالت اجتماعی فراهم می‌کند. از سوی دیگر، نظارت نکردن بر کارگزار و رها کردن وی زمینه را برای کوتاهی در وظایف خویش و در نتیجه ظلم به دیگران فراهم می‌سازد.

از سوی دیگر، نظارت بر کارگزار و عوامل زیر مجموعه اختصاص به حاکم کل ندارد؛ بلکه هر کسی که در حکومت مسؤولیتی دارد و زیر نظر او افرادی کار می‌کنند، باید به عوامل خود نظارت داشته باشد. در نامه حضرت امیرالمؤمنین علی‌خطاب به مالک اشتر به نظارت تاکید فراوان شده است. برخی از افرادی که نظارت بر آنان ضرورت تاکید شده، عبارت‌اند از:

أ. نظارت بر قاضی

حضرت (ع) در نظارت بر قاضی می‌فرماید:

داوری قاضی را هر چه بیشتر بررسی کن. (همان، ص ۴۳۵)

ب. نظارت بر کارگزاران دولتی

حضرت (ع) در نظارت بر کارگزاران دولتی می‌فرماید:

به کارهایشان رسیدگی کن و جاسوسانی از اهل راستی و وفا بر آنان بگمار، زیرا بازرسی پنهانی تو از کارهای آنان سبب امانتداری ایشان و مدارای با رعیت است. (همان، ص ۴۳۵-۴۳۶)

ج. نظارت بر نویسنده و منشی

حضرت (ع) در نظارت بر نویسنده و منشی می‌فرماید: بلکه آنان را به کارهایی که برای نیکان پیش از تو انجام داده‌اند امتحان کن، پس به آن شخص روی آر که در میان مردم اثرش نیکوتر و در

امانتداری معروفتر است، که این برنامه نشانه خیرخواهی تو برای خدا و برای کسی است که عهده‌دار کار اویی. (همان، ص ۴۳۷)

۴-۵. کیفر کارگزار مجرم

چنانکه ذکر شد یکی از زمینه‌های عدالت اجتماعی کارگزاران هستند و هرگاه از آنان اشتباهی سر زد، کیفر متناسب با آن، ضروری است که در این صورت، هم خود او تنبیه می‌شود و هم دیگران از آن، پند می‌پذیرند. حضرت‌پس از بیان نظارت بر کارگزاران دولتی می‌فرماید:

از یاران و یاوران بر حذر باش، اگر یکی از آنان دست به خیانت دراز کند و مأموران مخفی تو بالاتفاق خیانتش را گزارش نمایند اکتفای به همین گزارش تو را بس باشد و او را به جرم خیانت کیفر بدنی بده و وی را به اندازه عمل ناپسندش عقوبت کن و سپس او را به مرحله ذلت و خواری بنشان و داغ خیانت را بر او بگذار و گردنبنند عار و بد نامی را به گردنش بینداز. (همان، ص ۴۳۵-۴۳۶)

۵-۵. همسان قرار دادن کار با توان کارگزار

باید کار کارگزار متناسب با توان او باشد و گرنه نمی‌تواند به خوبی آن را انجام دهد، همانکه خدای سبحان انسان را به اندازه توانش مسؤل قرار داده است: «لَا يَكْفِيكَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» «بقره (۲)، ۲۷۶». از این رو، حضرت (ع) به مالک سفارش می‌کنند که برای هر کاری، مسؤلی قرار دهد:

برای هر کاری از کارهایت رئیسی از منشیان قرار ده، که بزرگی امور او را عاجز نکند و کثرت کارها پریشانش نسازد. (سید رضی، ۱۴۱۴ ق، نامه ۵۳، ص ۴۳۷)

۶-۵. پاسخ به کارگزار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گاهی کارگزاران نیازمند پاسخ حاکم هستند تا بتوانند مشکل حکومت را با پاسخ حاکم حل کنند. از این رو، حضرت (ع) می‌فرماید:

قسمتی از امور است که باید خودت به انجام آنها برخیزی، از جمله پاسخ دادن به کارگزاران دولت، آنجا که منشیان از پاسخ گویی ناتوانند. (همان، ص ۴۴۰)

۶. رفتار حاکم با مردم و تاثیر آن در اجرای عدالت اجتماعی

حاکم در کنار اجرای عدالت اجتماعی به وسیله کارگزاران و رسیدگی به امور آنان، شخصاً نیز بهتر است کارهایی انجام دهد که به رعایت عدالت اجتماعی کمک کند. برخی از این رفتارها عبارت- اند از:

۱-۶. مساوی قرار ندادن نیکوکار و بدکار

در جامعه غالباً نیکوکار و بدکار وجود دارد و حاکم موظف است با هر کدام متناسب با خود، رفتار کند. حضرت می فرماید:

نیکوکار و بدکار در برابرت یکسان نباشند، که این کار نیکوکار را در انجام کار نیک بی‌ رغبت و بدکار را در بدی ترغیب می‌ کند، هر کدام را نسبت به کارشان پاداش بخش. (همان، ص ۴۳۰- ۴۳۱)

۲-۶. ارتباط مستقیم با مردم

گرچه کارگزاران در حکومت وظایف خویش را انجام می‌ دهند؛ لکن ارتباط مستقیم حاکم با مردم ضروری است؛ چرا که حاکم را از وضعیت مردم آگاه می‌ سازد و در آن صورت، حاکم برخی از مشکلات آنان را برطرف می‌ سازد. البته لازمه این ارتباط آن است که حاکم تحمل سخنان مردم را داشته باشد. حضرت (ع) می‌ فرماید:

از جانب خود وقتی را برای آنان که به شخص تو نیازمندند قرار ده و در آن وقت وجود خود را برای آنان از هر کاری فارغ کن و جلوست برای آنان در مجلس عمومی باشد و برای خداوندی که تو را آفریده تواضع کن و لشگریان و یاران از پاسبانان و محافظان خود را از این مجلس بر کنار دار تا سخنگوی نیازمندان بدون ترس و نگرانی و لکنت و تردید با تو سخن بگوید، که من بارها از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم می‌ فرمود: «امتی به پاکی و قداست نرسد مگر اینکه حق ناتوان را از قدرتمند با صراحت و روانی کلام بگیرد». آن گاه خشونت و صحیح حرف نزدن آنان را تحمل کن، تنگ خویی و غرور و خودپسندی نسبت به آنان را از خود دور کن تا خداوند جوانب رحمتش را بر تو بگشاید و ثواب طاعتش را بر تو واجب کند. آنچه عطا می‌ کنی به خوشرویی عطا کن و خودداری از عطا را با مهربانی و عذر همراه نما. (همان، ص ۴۳۹-۴۴۰)

۳-۶. انجام برخی از کارهای مردم

برخی از کارهای مردم شایسته است به دست خود حاکم انجام شود؛ زیرا یا از عهده کارگزاران نمی‌آید، یا نمی‌توانند به خوبی از عهده آن برآیند و تاخیر آن کارها پسندیده نیست: قسمتی از امور است که باید خودت به انجام آنها برخیزی، ...؛ و نیز جواب دادن به حاجات و مطالب مردم در همان روزی که حاجاتشان به تو می‌رسد و پاسخش همکارانت را تنگدل و ناراحت می‌کند. (همان، ص ۴۴۰)

۴-۶. گرفتن مالیات و مصرف در راه آبادانی

یکی از وظایف حکومت، آبادانی است که از راه گرفتن مالیات از مردم و مصرف آن در راه آبادانی است و از سوی دیگر، هرچقدر آبادانی بیشتر شود، مردم نیز مالیات بیشتر خواهند داد. امام (ع) می‌فرماید:

در برنامه مالیات به صورتی که اصلاح مالیات دهندگان در آن است رسیدگی کن، چه اینکه صلاح و بهبودی مالیات و مالیات دهندگان صلاح دیگران است و برای دیگران آسایش جز با بهبودی آنان وجود ندارد چرا که تمام مردم جیره خوار مالیات و پرداخت کنندگان آن هستند. باید اندیشه‌ات در آبادی زمین از تدبیرت در جمع آوری مالیات بیشتر باشد، زیرا مالیات جز با آباد کردن زمین به دست نمی‌آید و هر کس بخواهد بدون آباد نمودن، مالیات بگیرد شهرها را خراب کرده و بندگان خدا را به هلاکت انداخته و حکومتش جز اندک زمانی نماند. (همان، ص ۴۳۶)

۵-۶. آسان‌گیری در مالیات در صورت تقاضای بجای مردم

دین اسلام دین رحمت و رأفت است و وظایف را بر اساس توانایی افراد و آسانی بر آنان قرار داده است، همانطوری که می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره (۲)، ۱۸۵). از این رو، لازم است حکومت در مالیات، توانایی مردم را در نظر بگیرد و هرگاه تقاضای بجای تخفیف در مالیات داشتند، به تقاضای آنان پاسخ مثبت دهد:

اگر مالیات دهندگان از سنگینی مالیات، یا برخورد به آفات، یا خشک شدن چشمه‌ها، یا کمی باران، یا تغییر زمین بر اثر آب گرفتگی، یا بی‌بی‌آبی شکایت کنند مالیات را به اندازه‌ای که اوضاع آنان بهبود یابد تخفیف ده و این تخفیف خرجی آنان، بر تو سنگین نیاید، زیرا تخفیف تو ذخیره‌ای است که با آباد کردن شهرهای تو و آرایش حکومت به تو باز می‌گردانند، علاوه ستایش مردم را به خود جلب نموده و شادمان هستی که سفره عدالت را در بین آنان گسترده‌ای، در حالی که با قوت

بخشیدن به آنان به وسیله ذخیره‌ای که در تخفیف مالیات نزد ایشان نهاده‌ای می‌توانی بر آنان اعتماد کنی و با عدالت و مهربانیت که آنان را به آن عادت داده‌ای بر آنان مطمئن باشی، چه بسا گرفتاریهایی که پیش آید که پس از نیکی به مالیات دهندگان اگر حل آن را به آنان واگذاری با طیب خاطر بپذیرند، چه اینکه بر مملکت آباد آنچه را بار کنی تحمل کشیدنش را دارد. (سید رضی، ۱۴۱۴ ق، نامه ۵۳، ص ۴۳۶-۴۳۷)

۶-۶. پرهیز دادن از احتکار

یکی از آسیب‌های جامعه احتکار کردن کالاهای اساسی مردم است و برای اینکه مردم به رنج نیفتند، حکومت لازم است با احتکار برخورد کند و خرید و فروش باید بر اساس عدل و انصاف باشد:

از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را منع فرمود. داد و ستد باید آسان باشد و بر موازین عدالت صورت گیرد و به نرخ معامله شود که به فروشنده و خریدار اجحاف نشود. هر گاه کسی پس از نهمی تو دست به احتکار زد او را مجازات کن ولی در مجازاتش از زیاده روی پرهیز. (همان، ص ۴۳۸)

۶-۷. اختصاص بخشی از بیت‌المال به محرومان

در جامعه غالباً افراد از طبقات گوناگون مالی وجود دارد و در میان آنها رسیدگی به محرومان و نیازمندان اولویت بیشتری دارد و در رسیدگی به نیازمندان میان آنان نباید تبعیض قائل شد، چه نیازمندی که به مرکز حکومت نزدیک باشند و چه آنانی که دور از مرکز حکومت زندگی می‌کنند: آنچه را که خداوند در مورد آنان از حفظ حقوق از تو خواسته به حفظ آن پرداز، نصیبی از بیت‌المال که در اختیار توست و سهمی از غلات خالصه جات اسلامی را در هر منطقه برای آنان قرار ده، که برای دورترین آنها همان سهمی است که برای نزدیکترین آنان است، در هر صورت رعایت حق هر يك از آنان از تو خواسته شده، (همان، ص ۴۳۸-۴۳۹)

۶-۸. پیگیری وضعیت نیازمندان از راه افراد مورد اطمینان و رفع مشکلات آنان

رسیدگی به نیازمندان جامعه، به ویژه سالخوردگان و یتیمان اولویت بیشتری دارد و حاکم اسلامی وظیفه دارد پس از اطلاع از وضعیت آنان درصدد برطرف کردن مشکلات آنان برآید: برای به عهده گرفتن امور اینان انسانی مورد اعتماد خود را که خدا ترس و فروتن است مهیا کن تا وضع آنان را به تو خبر دهد. سپس با آنان به صورتی عمل کن که به وقت لقاء حق عذرت پذیرفته

شود، زیرا اینان در میان رعیت از همه به دادگری و انصاف نیازمندترند و در ادای حق همگان باید چنان باشی که عذرت نزد خداوند قبول شود. به اوضاع یتیمان و سالخوردهگان که راه چاره‌ای ندارند و خود را در معرض سؤال از مردم قرار نداده‌اند رسیدگی کن. آنچه سفارش کردم بر حاکمان سنگین است. (همان، ص ۴۳۹)

۹-۶. اختصاص ندادن امکانات به خویشاوندان و آشنایان

پیرامون حاکم افرادی وجود دارد که ممکن است برخی از آنان از این جایگاه استفاده سوئی کنند. حاکم اسلامی نباید میان خویشاوندان و دیگران تفاوتی قائل شده و برخی از امکانات را به خویشاوندان و آشنایان خویش اختصاص دهد:

سپس والیان را نزدیکانی است که آنان را خوی خودخواهی و دست درازی به مال مردم و کمی انصاف در داد و ستد است، به جدا کردن اسباب و وسایل این حالات ماده و ریشه آنان را قطع کن. به هیچ یک از اطرافیان و اقوام خود زمینی از اقطاع مسلمین واگذار مکن. نباید کسی به گرفتن مزرعه‌ای که در آبشخور آن به همسایه زیان رساند طمع ورزد، یا کاری که باید با شرکت به سامان رسد، مشقت کار مشترک را به همسایگان تحمیل کند، در آن صورت سودش برای آن طمعکاران و عیب و زشتی آن در دنیا و آخرت بر عهده تو خواهد بود. (همان، ص ۴۴۱)

۷. رفتار حاکم با دشمن و تاثیر آن در اجرای عدالت اجتماعی

از دیدگاه عقل و نقل، رعایت عدالت نیکوست و همواره باید رعایت شود. از این‌رو، عدالت نسبت به دشمن نیز امری لازم بشمار می‌رود و صرف دشمن بودن موجب تعدی به همه حقوق نمی‌شود. در نامه حضرت (ع) به مالک اشتر نیز رفتارهایی با دشمن اشاره شده که عمل به آنها به رعایت عدالت اجتماعی کمک می‌کند. برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱-۷. رعایت پیمان با دشمن

عهد و پیمان یکی از عام‌ترین ارزش‌های انسانی است که هر انسانی، هر چند هیچ دینی هم نداشته باشد، آن را محترم می‌شمارد و عمل به آن را لازم می‌داند. به همین جهت دانشمندان اصول فقه، حکم به لزوم رعایت عهد را از مستقلات عقلیه بشمار آورده‌اند؛ یعنی عقل بدون کمک وحی، لزوم رعایت عهد را می‌فهمد.

در آیات و روایات نیز به لزوم عمل به پیمان سفارش فراوان شده است؛ هرچند طرف پیمان دشمن باشد. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

اگر بین خود و دشمنت قراردادی بستنی، یا از جانب خود به او لباس امان پوشانندی، به قراردادت وفا کن و امان دادنت را به امانت رعایت نما و خود را سپر تعهدات خود قرار ده، زیرا مردم بر چیزی از واجبات الهی چون بزرگ شمردن وفای به پیمان- با همه هواهای گوناگون و اختلاف آرای که دارند- اتفاق ندارند. مشرکین هم علاوه بر مسلمین وفای بر عهد را بر خود لازم می دانستند، چرا که عواقب زشت پیمان شکنی را آزموده بودند. پس در آنچه به عهده گرفته ای خیانت نورز و پیمان خود را مشکن و دشمنت را گول مزن، که بر خداوند جز نادان بدبخت گستاخی نکنند. خداوند عهد و پیمانش را امان قرار داده و رعایت آن را از باب رحمتش بر عهده همه بندگان گذاشته، عهد و پیمان حريم امنی است تا در استواری آن بیاسایند و همگان به پناه آن روند. بنابر این در عهد و پیمان خیانت و فریب و مکر روا نیست. (همان، ص ۴۴۲-۴۴۳)

۷-۲. لزوم پیمان نامه شفاف و غیر قابل توجیه

پیمان باید شفاف و غیر قابل توجیه باشد وگرنه هر طرف می تواند بر اساس نظر خود، آن را به سود خویش توجیه کند:

عهد و پیمانی برقرار مکن که در آن راه تأویل و بهانه و توریه و فریب باز باشد و پس از تأکید و استوار نمودن عهد و پیمان گفتار توریه مانند و دو پهلو به کار مبر، (همان، ص ۴۴۳)

۷-۳. صلح با دشمن در صورت صلاح حدید

حاکم وظیفه امنیت جانی و مالی و روحی افراد جامعه را برعهده دارد و اگر دشمن تقاضای صلح کند و این صلح، مطلوب خدای متعال باشد، حاکم با قبول آن، امنیت را در لشکر و جامعه فراهم می سازد:

از صلحی که دشمنت به آن دعوت می کند و خشنودی خدا در آن است روی مگردان، زیرا صلح موجب آسایش لشگریان و آسودگی خاطر آنها و امنیت شهرهای توست. (همان، ص ۴۴۲)

نتیجه

حضرت امیرالمومنین علی (ع) در نامه خویش به مالک اشتر نکات مهم و اساسی فرموده‌اند که بخش مهم آن درباره عدالت اجتماعی است و می‌توان از آن، عوامل اجرای عدالت اجتماعی را به دست آورد. از این رو، این مقاله برای تبیین عوامل عدالت اجتماعی منبع مهمی بشمار می‌رود. نتایجی که مقاله بدان دست یافته عبارت‌اند از:

۱. عدالت اجتماعی که به معنای دادن حق هر انسان صاحب حقی به او بر اساس عقل، نقل و عرف است، تحت تاثیر عوامل متعددی است که سبب و علت تحقق عدالت اجتماعی بشمار می‌روند.

۲. از این جهت که اعتقاد حاکم به مبدأ و معاد در عدالت اجتماعی تاثیر دارد، حاکم باید اعتقاد خویش و توجه به آن را تقویت کند، چه از راه علمی و چه از راه عملی؛ همانگونه که سعی در تقویت اعتقاد کارگزاران خویش داشته باشد. از این رو، حکومت اسلامی باید به بعد اخلاقی حاکمان جامعه از قبیل استاندار، فرماندار، بخشدار و مدیران جامعه و... توجه داشته باشد.

۳. با توجه به اینکه اخلاق حاکم از قبیل پرهیز از هوای نفس، پرهیز از تکبر، پرهیز از ستایش طلبی و... در عدالت اجتماعی تاثیر دارد، حاکم باید درصدد آراسته شدن به فضایل اخلاقی و تهذیب از رذایل اخلاقی باشد؛ همچنانکه این مسئله را در کارگزاران خویش نیز مورد توجه قرار دهد. از این رو، در حکومت اسلامی، مسأله اخلاق باید مورد اهتمام مسؤلان قرار گیرد.

۴. حاکم از راه کارگزاران خویش در اجرای عدالت اجتماعی تاثیر دارد. از این رو، باید در انتخاب، نظارت بر آنان، تامین مالی آنان و... اهتمام داشته باشد.

۵. برای اجرای عدالت اجتماعی، حاکم باید شخصا کارهایی انجام دهد، مانند ارتباط مستقیم با مردم، پیگیری وضعیت نیازمندان و اهتمام به برطرف کردن مشکلات نیازمندان و...

۶. حاکم باید در رفتار با دشمن نیز عدالت را رفتار کند، از این رو، به پیمانی که با وی بسته، ملتزم شود و در صورت صلاحدید، صلح را قبول کند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، [بی جا]، مکتب الاعلام الاسلامی.
۲. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹ ش) تسنیم تفسیر قرآن کریم ج ۳، چ اول، مرکز نشر اسراء، قم.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، چ چهارم، بیروت، دارالعلم للملایین.
۴. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ ق)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلم؛ دار الفکر، دمشق، اول.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴ ق)، المفردات فی غریب القرآن، چ دوم، [بی-جا]، دفتر نشر کتاب.
۶. زمخشری، جارالله، (۱۳۸۶ ش)، مقدمة الأدب - تهران، اول.
۷. سید رضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق)، نهج البلاغة، تحقیق و تصحیح: صبحی صالح، قم، هجرت، چ اول.
۸. صادقی، حسن، (۱۳۹۳)، اختیاری بودن عدالت اجتماعی و آثار آن در قرآن کریم، معرفت ش ۱۹۹.
۹. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۷ ق) الامالی، مرکز الطباعة و النشر فی موسسة البعثة، ط الاولى.
۱۰. طباطبائی، سید محمد حسین، [بی تا]، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، موسسة النشر الاسلامی.
۱۱. فیومی، محمد بن احمد، [بی تا]، مصباح المنیر، [بی نا].
۱۲. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۱)، فلسفه اخلاق، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول.
۱۳. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۱)، اخلاق در قرآن، قم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ پنجم،

۱۴. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، [بی‌چا] تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
۱۵. معین محمد، (۱۳۶۲ ش)، فرهنگ فارسی، چ پنجم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۶. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۸)، چهل حدیث، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیستم.
۱۷. نراقی محمد مهدی، (بی‌تا) جامع السعادات، نجف، دار النعمان للطباعة و النشر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی